

# بررسی اثربخشی شیوه زوج درمانی ارتباط شیء کوتاه مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین

زهرا احمدی\*، دکتر سیداحمد احمدی\*\*، دکتر مریم فاتحی زاده\*\*\*

## چکیده:

هدف این پژوهش بررسی تأثیر زوج درمانی ارتباط شیء کوتاه مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین شهرستان خمینی شهر است. این پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری، کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره و راهنمایی آموزش و پرورش شهرستان خمینی شهر می‌باشند. نمونه شامل ۴۰ زن و شوهر است که از نمونه‌های در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. زوجین گروه آزمایش به مدت ۶ جلسه تحت زوج‌درمانی ارتباط شیء کوتاه مدت قرار گرفتند و در پایان از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. ابزار این پژوهش شامل دو آزمون الگوهای ارتباطی کریستنسن - سالووی و محقق ساخته است و هر دو از روایی و پایایی خوبی برخوردارند. یافته‌های این تحقیق با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس نشان داد که، تأثیر زوج‌درمانی ارتباط شیء کوتاه مدت بر الگوهای ارتباطی سازنده متقابل ( $p=0/018$ )، توقع/کناره‌گیری ( $p=0/002$ )، توقع مرد/کناره‌گیری زن ( $p=0/012$ )، توقع زن/کناره‌گیری مرد ( $p=0/004$ ) از پرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالووی معنادار و بر الگوی اجتنابی متقابل ( $p=0/21$ ) معنادار نیست. به علاوه تأثیر شیوه درمان فوق بر الگوهای ارتباطی مطیع - سلطه‌گر ( $p=0/024$ )، بی‌ارزش‌سازی همسر ( $p=0/001$ ) و بالغ - بالغ ( $p=0/05$ ) از پرسشنامه الگوهای ارتباطی محقق ساخته معنادار و در بقیه الگوها والد - کودک ( $p=0/14$ )، تعقیب - گریز ( $p=0/07$ )، رومانیتیک - منطقی ( $p=0/39$ )، ایده‌آل‌سازی همسر ( $p=0/96$ ) معنادار نبود. نتیجه‌گیری نهایی این است که شیوه فوق تأثیر به‌سزایی در بهبود الگوهای ارتباطی زوجین دارد و می‌توان از آن در موارد مشابه استفاده کرد.

**کلید واژه‌ها:** زوج‌درمانی ارتباط شیء، الگوهای ارتباطی زوجین، زوج‌درمانی کوتاه مدت

\* کارشناس ارشد مشاوره خانواده

\*\* دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

\*\*\* استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

✉ نویسنده مسئول: اصفهان - خ هزار جریب - دانشگاه اصفهان - دانشکده علوم تربیتی

تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۱۵

دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷

پست الکترونیک: maryamzfi@ui.ac.ir

## Evaluation of effectiveness of brief object-relation couple therapy on couples' communication patterns

Z. Ahmadi\*, M.A.; S. A. Ahmadi\*\*, Ph.D.; M. Fatehizadeh\*\*✉, Ph.D.

\*Private practice, Esfahan University, Esfahan, Iran.

\*\* Consulting Dept., Esfahan University, Esfahan, Iran.

This study is aimed at investigating the effects of object-relation brief couple therapy on couple's communication patterns in Khomeinishahr. This quasi-experimental research was based on pre-test, post-test control group. The statistical population consisted of all the couples referred to Khomeinishahr consultation and Guidance Center. Sample includes 40 couples who were randomly assigned in 2 groups of experimental and control. The couples in experimental group received a 6-session object-relation brief couple therapy and finally a post-test was administered to two groups. Two different tests, (i.e. Christensen-Salavy Communication patterns and a researcher-made questionnaire) were used based on their reliability and validity. The results of this study, using co-variance analysis, showed that object-relation brief couple therapy on mutual construction patterns ( $p=0/018$ ) demand-withdrawal pattern ( $p=0/002$ ), husband's demand and wife's withdrawal ( $p=0/012$ ), wife's demand and husband's withdrawal ( $p=0/004$ ) were different from communication questionnaire while on mutual avoidance pattern ( $p=0/21$ ) were not significant. Furthermore, the effect of above mentioned therapy on dominant-submissive pattern ( $p=0/024$ ), the partner as a devaluated self-image ( $p=0/001$ ) and mature-mature pattern ( $p=0/05$ ) significant on the parent-child's ( $p=0/14$ ), the detached-demanding ( $p=0/07$ ), Romantic-rational ( $p=0/039$ ), the partner as ego ideal ( $p=0/96$ ) patterns were rejected by the researcher-made questionnaire. In addition, the effect of above treatment approach on men and women had been the same. It is concluded that this method might be an efficient way to improve the partners communication patterns and it can be applied to in similar cases.

**Keywords:** object-relation couple therapy, couple's communication patterns, brief couple therapy

---

✉Corresponding author: Consulting Dept., Esfahan University, Esfahan, Iran.

Tel: 0311-7932515

Fax: 0311-6683107

Email: maryamzf@ui.ac.ir

# تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش صمیمیت زوجین

نرگس اولیاء\*، دکتر مریم فاتحی‌زاده\*\*، دکتر فاطمه بهرامی\*\*

## چکیده:

هدف این تحقیق تعیین اثربخشی آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش صمیمیت زوجین است. به این منظور از بین والدین دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر اصفهان ۳۰ زوج انتخاب شده، به‌وسیله آزمون‌های صمیمیت زناشویی محقق ساخته شامل ۹ خرده مقیاس صمیمیت (عاطفی، عقلانی، روان‌شناختی، مذهبی، جنسی، ارتباطی، فیزیکی، اجتماعی - تفریحی و کلی) مورد ارزیابی قرار گرفتند و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گروه کنترل جایگزین شدند. تعداد هفت جلسه دو ساعته آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی برای گروه آزمایش برگزار شد. بلافاصله پس از آموزش و دو ماه پس از آن، ارزیابی‌های مرحله دوم با استفاده از همان آزمون‌ها انجام گرفت. سرانجام با استفاده از تحلیل کوواریانس نتایج تحلیل شد. براساس فرضیه‌های تحقیق، آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی، صمیمیت زناشویی زوجین را در پس‌آزمون گروه آزمایش افزایش داد. نتایج نشان داد که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در صمیمیت کلی در سطح ( $P < 0/01$ ) معنادار و در سایر خرده مقیاس‌ها در سطح  $0/05$  معنادار بود.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی، صمیمیت زوجین.

\*کارشناس ارشد مشاوره خانواده

\*\*استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

✉ نویسنده مسئول: اصفهان - خ هزار جریب - دانشگاه اصفهان - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

تلفن: ۰۳۱۱ - ۷۹۳۲۵۱۵

دورنما: ۰۳۱۱ - ۶۶۸۳۱۰۷

پست الکترونیک: maryamzf@ui.ac.ir

## The study of effectiveness of instruction marital enrichment on increasing of marital intimacy

*N. Oulia\**, *M.A.*; *M. Fatehizadeh\*\*✉*, *Ph.D.*; *F. Bahrami\*\**, *Ph.D.*

\*Private practice, Esfahan, University, Esfahan, Iran.

\*\*Consulting Dept., Esfahan University, Esfahan, Iran.

The purpose of this study was to determine the effectiveness of instructing marital enrichment and increasing of marital intimacy. This research is experimental with pretest and post test groups.

A sample of 30 couples were randomly selected and assigned into control and experimental groups. The subjects in the experimental group participated in Marital Enrichment program (ME). Experimental group received a 7 sessions, treatment each 2 hours per week.

Marital Intimacy Questionnaire (MIQ) (Bahrami Oulia, 2006). Consists of 8 subscales (emotional, intellectual, social recreational activities, psychological, religious, sexual, communicational, Physical and total score). was applied to collect, the data.

Instructing marital enrichment program improved the level of marital intimacy in experimental group. The Results showed that differences between groups were significant in total scale of intimacy. ( $F = 16.36$ ,  $P < 0.01$ ) and all of the subscales ( $P < 0.05$ ).

The results of this research indicate that marital enrichment program (ME) could increase total marital intimacy. could increase emotional, intellectual, psychological ,communication and social-recreational activities in marital intimacy, how every could not increase sexual, religious and physical marital intimacy.

These findings are consistent with Zimpher, (1988), Olson & Fowers (1989), Guerney & Maxson, (1998). Hence ME could increase marital intimacy and decrease conflict between couples.

**Keywords:** Instructing marital enrichment program, couple intimacy

---

✉Corresponding author: Consulting Dept., Esfahan University, Esfahan, Iran.

Tel: 0311-7932515

Fax: 0311-6683107

Email: maryamzf@ui.ac.ir

# بررسی میزان آگاهی و نگرش زنان باردار نسبت به رابطه جنسی دوران بارداری و عوامل مرتبط با آن در مراجعین به بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی سال ۱۳۸۳

گیتی ازگلی<sup>✉</sup>، دکتر کتابیون خوشابی<sup>\*\*</sup>، ناصر ولایی<sup>\*\*\*</sup>،  
ماهرخ دولتیان<sup>\*\*\*</sup>، مرضیه تاروپردی<sup>\*\*\*\*</sup>

## چکیده:

پژوهش حاضر به منظور تعیین میزان آگاهی و نگرش نسبت به رابطه جنسی در دوران بارداری و عوامل مرتبط با آن بر روی زنان مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۸۳ انجام گرفت. این تحقیق به روش توصیفی بر روی ۴۰۰ زن که به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، انجام شد. متغیرهای مربوط به آگاهی نظیر وضعیت مناسب حین مقاربت در حاملگی و وضعیت آسیب رساندن به جنین و بارداری و نیز متغیرهای مربوط به نگرش نظیر رضایت روانی زن در نزدیکی، احتمال آسیب به جنین، احساس شرک در حضور جنین، احساس گناه، سهولت زایمان با نزدیکی، لذت بیشتر، میل کمتر، وضعیت ظاهری و متغیرهای آگاهی نظیر وضعیت مناسب حین مقاربت و تأثیر بر جنین با پرسش از زنان در پرسشنامه ثبت گردید. پرسشنامه به روش اعتبار محتوا و آزمون مجدد تعیین اعتبار و اعتماد شد، سپس میزان آگاهی و نگرش نسبت به رابطه جنسی دوران بارداری در نمونه‌ها و تعیین و میزان آن در جامعه برآورد گردید و نقش عوامل مرتبط در آن‌ها تعیین شد. نقش عوامل مرتبط با آگاهی نشان داد مواجهه با مشکل در حاملگی فعلی و منبع کسب اطلاعات با آگاهی ارتباط دارد ( $P < 0.05$ ).

نقش عوامل مرتبط با نگرش نیز نشان داد سابقه زایمان زودرس، تعداد بارداری، شغل، سواد، سن، مشکل در حاملگی فعلی و منبع کسب اطلاعات با نگرش ارتباط معنی‌دار آماری دارد ( $P < 0.05$ ). به‌طور کلی حدود ۲/۳ زنان مورد مطالعه آگاهی مناسب و نگرش مثبت نداشتند و با توجه به نقش عوامل مرتبط به نظر می‌رسد وقتی مادر دچار مشکل می‌شود با کسب آگاهی نگرش منفی پیدا می‌کند، حتی در زنان به منبع کسب اطلاعات مرتبط است یعنی با وجود افزایش آگاهی نگرش منفی ایجاد می‌شود و به نظر می‌رسد دادن آگاهی سطحی بیشتر تولید اضطراب می‌کند. لذا جهت اصلاح نگرش و افزایش آگاهی احتیاج به برنامه‌های آموزش بهداشت جنسی عمیق و پایه‌ریزی شده در طولانی مدت از زمان کودکی تا سنین باروری می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** آگاهی، نگرش بارداری، رابطه جنسی

<sup>✉</sup> کارشناس ارشد آموزش مامائی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

<sup>\*\*</sup> روان‌پزشک کودک، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

<sup>\*\*\*</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

<sup>\*\*\*\*</sup> کارشناس ارشد مامائی

<sup>✉</sup> نویسنده مسئول: تهران - خیابان شریعتی - بالاتر از حسینیه ارشاد - جنب بیمارستان مفید - دانشکده پرستاری و مامائی شهید بهشتی - گروه مامائی تلفن: ۸۸۸۸۳۱۳۳-

## **Knowledge and attitude on sexual relationship and involved issues among university medical hospitals referrals during pregnancy**

*G. Ozgoli*<sup>✉</sup>, M.S.; *K. Khooshabi*<sup>\*\*</sup>, M.D.; *N. Valaie*<sup>\*</sup>, M.S.;  
*M. Dolatiyan*<sup>\*\*\*</sup>, M.S.; *M. Taryverdi*<sup>\*\*\*</sup>, M.S.

<sup>\*</sup> Shahid Beheshti Medical University, Tehran, Iran.

<sup>\*\*</sup> Rehabilitation & welfare sciences University, Tehran, Iran.

<sup>\*\*\*</sup> Private practice, Tehran, Iran.

Intimacy during pregnancy is no longer a taboo. To examine knowledge and attitude about sexuality during pregnancy, a descriptive study on 400 pregnant women selected randomly from affiliated hospitals to Shahid Beheshti University of medical sciences. Data were collected using a questionnaire including items on knowledge and attitude about sexual intimacy during pregnancy.

Results show that the level of knowledge scores about sexuality during pregnancy was low and attitude were not positive, the association between knowledge scores and complication in pregnancy and source of knowledge was significantly different ( $p < 0/05$ ). The correlation between attitude scores and premature labor, gravidity occupation, age, education and source of knowledge was significant ( $p < 0/05$ ).

The knowledge and attitude of participants were low. These results warrant the need for related education before reproductive age.

**Keywords:** knowledge, attitude, KAP study, pregnancy sexual health

---

<sup>✉</sup>Corresponding author: Midwife Group, Faculty of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Tel: 021-88883133

Fax: 021-22275248

Email: gozgoli@yahoo.com

# دیدگاه دانش‌آموزان دبیرستانی نسبت به سهم اولیاء مدارس و کتب درسی در پرداختن به مسائل خانواده

دکتر احمد رضا نصرافهانی\*، فاطمه بهجتی اردکانی\*\*،

دکتر مریم فاتحی‌زاده\*\*\*، رحمتا... محمدی\*\*\*\*

## چکیده:

بعد از خانواده، مهم‌ترین سازمان مؤثر در تکوین شخصیت و رشد جنبه‌های مختلف انسان، مدرسه است. بنابراین، رشد مهارت‌ها و استعدادها لازم برای زندگی افراد در جامعه باید یکی از اهداف اساسی مدرسه محسوب شود. با توجه به این‌که آموزش مسائل زندگی خانوادگی به دانش‌آموزان می‌تواند در استحکام خانواده و کاهش ناهنجاری‌هایی از قبیل طلاق نقش داشته باشد؛ این پژوهش درصدد بررسی این موضوع است که از دید دانش‌آموزان چهار عامل آموزشی: مدیر، دبیر، مشاور، مربی پرورشی و کتاب‌های درسی تا چه حد به مسائل زندگی خانوادگی در دبیرستان می‌پردازند. این تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جامعه آماری آن را دانش‌آموزان دختر سال سوم نظام متوسطه نظری در سه شهر یزد، اردکان و میبد تشکیل می‌دهند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای متناسب با حجم، ۲۱۰ دانش‌آموز از جامعه انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از یک پرسشنامه محقق ساخته شامل ۴۶ سؤال به سبک لیکرت و پنج سؤال باز پاسخ استفاده شد. داده‌های آن با نرم‌افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های حاصل از پژوهش مشخص نمود که نقش عوامل آموزشی در آموزش مسائل خانواده، از نظر دانش‌آموزان کمتر از سطح متوسط (۳) می‌باشد. البته نقش این عوامل به نظر آن‌ها یکسان نبوده، بیشترین تأثیر مربوط به نقش مدیران و کمترین تأثیر مربوط به نقش دبیران بوده است. براساس این یافته‌ها نتیجه‌گیری می‌شود که عملکرد دبیرستان‌ها در آموزش مسائل زندگی خانوادگی از دید دانش‌آموزان کمتر از حد مورد انتظار آنان بوده، لازم است برنامه‌ها و کتاب‌های آموزشی ویژه‌ای برای آموزش مسائل زندگی خانوادگی برای دانش‌آموزان تدارک دیده شود.

**کلیدواژه‌ها:** مسائل زندگی خانوادگی، دبیرستان، مدیر، مشاور، مربی پرورشی، کتاب‌های درسی، یزد.

\*دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

\*\*مدرس مراکز تربیت معلم یزد

\*\*\*استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

\*\*\*\*عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

✉ نویسنده مسئول: اصفهان، خ هزار جریب، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی گروه مشاوره

تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۲۱۵

دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷

پست الکترونیک: ARNasr@edu.ac.ir

## High school student's viewpoints on the textbook's and school officials' part in attending to family matters

*A. R. Nasr<sup>✉</sup>; Ph.D.; F. Behjaty<sup>\*\*</sup>, Ph.D.; M. Fatehizadeh<sup>\*</sup>, Ph.D.;  
R. Mohammadi*

<sup>\*</sup>Consulting Dept., Esfahan University, Esfahan, Iran.

<sup>\*\*</sup>Yazd Teachers' Training Center, Yazd, Iran.

School is the second most influential organization in the formation of humans personality and development. Therefore, development of skills and essential abilities for living in the society should be of the most important objectives of schools.

Since teaching different aspects of family life can be influential in the firmness of families and the reduction of family problems such as divorce, this study is to examine to what extent school officials including principals, teachers, advisors, extra curricula teachers, and textbooks address family life matters in high schools.

The applied research method is descriptive and its statistical population is the female students studying in the third year of high school in theoretical branches in 3 cities Yazd, Ardakan and Meibod.

Using random sampling method, 210 students were selected. A researcher made questionnaire consisting of 49 liker type questions and five open answer questions was used. Data was analyzed using the SPSS software at two levels of descriptive and inferential statistics.

Findings show that in the students' view the school officials alienation to family matters is less than the moderate level. However, they suggested that different officials do have different shares. The most influence come from principals and the least from teachers. According to the findings, it is concluded that schools teach family life matters less than what is expected by students and it is necessary to provide special books and have special programs for teaching family life matters.

**Keywords:** family life matters, high school, principal, advisor, extra curricula teacher, textbooks, Yazd.

---

<sup>✉</sup>Corresponding author: Consulting Dept., Esfahan University, Esfahan, Iran.

Tel: 0311-7932315

Fax: 0311-6683107

Email: Anasr@edu.ui.ac.ir



# بررسی عوامل جمعیت‌شناختی و خانوادگی مؤثر در بروز کودک آزاری در شهر اصفهان

فاطمه زرگر\*، دکتر حمید پاهر نشاط دوست\*\*

## چکیده:

هدف این تحقیق بررسی میزان کودک آزاری به تفکیک جنس، سن، نوع آزار جسمی، جنسی، روانی، اجتماعی و مسامحه و غفلت، همچنین بررسی تأثیر عوامل اعتیاد والدین و میزان تحصیلات آنان بر پدیده کودک آزاری است. بدین منظور اطلاعات مذکور از کلیه گزارش‌های تلفنی که در سال ۱۳۸۴ در زمینه کودک آزاری با خط تلفن کودک سازمان بهزیستی استان اصفهان برقرار شده بود، استخراج گردید و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که فراوانی کودک آزاری در دختران و پسران تفاوت معناداری ندارد. فراوانی کودک آزاری روانی - عاطفی نسبت به دیگر انواع آزار، به‌طور معناداری بیشتر است ( $P < 0/05$ ). گروه سنی ۱۰-۵ سال از بیشترین فراوانی کودک آزاری برخوردار است ( $P < 0/05$ ). تحصیلات پایین والدین در بروز کودک آزاری مؤثر بوده، فراوانی کودک آزاری در والدین بیسواد و کم‌سواد به‌طور معنی‌داری بیش از والدین تحصیل‌کرده بود ( $P < 0/05$ ). نتایج پژوهش حاضر بر آموزش عمومی والدین، در سطح جامعه در زمینه حقوق کودکان، خصوصاً در مورد نیازهای عاطفی آنها و توجه ویژه به کودکان سنین ۱۰-۵ سال تأکید دارد.

**کلیدواژه‌ها:** کودک آزاری، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و خانواده

\* کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

\*\* دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

نویسنده مسئول: اصفهان - خ هزار جریب - دانشگاه اصفهان - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی - گروه روان‌شناسی

تلفن: ۰۳۱۱ - ۷۹۳۲۵۰۰

دورنما: ۰۳۱۱ - ۶۶۸۳۱۰۷

پست الکترونیک: [h.neshat@edu.ui.ac.ir](mailto:h.neshat@edu.ui.ac.ir)

## The impact of demographic and family factors in incidence of child abuse in Isfahan

*F. Zargar\*, M.A.; H. T., Neshat-Doost\*\*✉, Ph.D.*

\*Private practice Department of Psychology, Esfahan University, Esfahan.

\*\* Department of Psychology, Esfahan University, Esfahan.

The purpose of this study was to investigate the prevalence of child abuse and the effects of related factors such as gender, age, type of abuse (physical, sexual, mental and neglect) parental addiction, and education. Data was collected through telephone reports received in Isfahan welfare lines on child abuse (March 2004 - march 2005). The results of chi-square showed no significant difference in prevalence of child abuse in males & females. It was also found that the frequency of mental-emotional child abuse in comparison with the other types of abuse was higher ( $P<0/05$ ). In comparison with the other age groups, the 5-10 year old subjects had higher rates of child abuse ( $P<0/05$ ). The incidence of child abuse was higher experienced in parent with lower education ( $P<0/05$ ). The results of the present study emphasises on the general education about the children' right specifically on their emotional needs and specific attention to children aged between 5 to 10.

**Keywords:** demographic characteristics and family

---

✉Corresponding author: Department of Psychology, Esfahan University, Esfahan, Iran.  
Tel: 0311-7932500  
Fax: 0311-6683107  
Email: h.neshat@edu.ui.ac.ir

# میزان مذهبی بودن والدین، منابع متفاوت شناخت

## دینی و تصور از خدا

منصوره السادات صادقی\*، دکتر محمدعلی مظاهری\*\*، محمود حیدری\*\*\*

### چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تفاوت تصور از خدا در میزان مذهبی بودن والدین و منابع متفاوت شناخت دینی طراحی و اجرا گردید. از میان دانشجویان چهار رشته دندان پزشکی، علوم انسانی، برق و کامپیوتر و معماری دانشگاه شهید بهشتی تعداد ۳۷۴ نفر دانشجو (۱۷۷ پسر و ۱۹۷ دختر) به عنوان نمونه طبقه‌ای نسبتی در دسترس انتخاب شدند، پرسشنامه‌های تصور از خدا (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۴؛ بازسازی مقیاس لارنس، ۱۹۹۷)، میزان مذهبی بودن والدین (گرنکوویست، ۱۹۹۸) و پرسشنامه محقق ساخته (در خصوص منابع متفاوت شناخت دینی) تکمیل شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یکراهه نشان داد که میانگین تمامی خرده مقیاس‌های تصور از خدا در مواردی که آزمودنی‌ها میزان مذهبی بودن هر دو والد خود را بالا ارزیابی کرده‌اند، بالاتر است. در پاسخ‌دهندگانی که میزان مذهبی بودن والدین خود را در سطح بالایی ارزیابی کرده‌اند، تفاوت زیرمقیاس‌های «تأثیرپذیری»، «مشیت الهی» و «حضور» آزمون تصور از خدا با آزمودنی‌هایی که میزان مذهبی بودن والدین‌شان در سطح پایین است، معنادار بود. بنابراین کیفیت تصور از خدا در افرادی که میزان مذهبی بودن والدین‌شان بالاتر است، مثبت‌تر می‌باشد. پژوهشگران میزان مذهبی بودن والدین را به عنوان جنبه‌ای از جامعه‌پذیری دینی برای فرزندان، و مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده تصور فرد از خدا می‌دانند. همچنین تجزیه و تحلیل دقیق‌تر داده‌ها نشان داد که در تصور از خدا به عنوان حامی، در دسترس، مراقب، راهنما و پاسخگو نیز بین دو گروه (سطح مذهبی هر دو والد بالا و سطح مذهبی هر دو والد پایین) تفاوت‌های معناداری وجود دارد، طوری که در گروهی که میزان مذهبی بودن هر دو والد بالاتر است تصور از خدا مثبت‌تر، و در گروهی که میزان مذهبی بودن هر دو والد پایین‌تر است تصور از خدا منفی‌تر است. داده‌ها همچنین نشان داد تصور از خدا در منابع شناخت دینی مختلف، متفاوت است. تفاوت نمرات زیرمقیاس‌های «تأثیرپذیری»، «مشیت الهی»، «پذیرندگی» و «حضور» تصور از خدا در شرایطی که کسب اطلاعات از طریق خانواده باشد، به طور معناداری بالاتر از دیگر منابع اطلاعاتی بوده، مثبت‌ترین تصور از خدا در این گروه جای گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** تصور از خدا، شناخت دینی، میزان مذهبی بودن والدین

\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

\*\* دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

\*\*\* عضو هیئت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

✉ نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱ - ۲۲۴۳۱۸۱۴

دورنما: ۰۲۱ - ۲۹۹۰۲۳۶۸

پست الکترونیک: m\_sadeghi20097@yahoo.com

## Parental religiousness level and Source of religious insight and the Image of God

*M. Sadeghi*<sup>✉</sup>, *M.A.*; *M. A.*; *Mazaheri*<sup>\*\*</sup>, *Ph.D*; *M. Heidary*<sup>\*\*</sup>, *M.A.*;

<sup>\*</sup>Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

<sup>\*\*</sup>Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

The goal of the present research is to investigate the relationship between parental religiousness and source of religious insight and the image of God in university students. A sample of 374 students (177 male and 197 female) of Shahid Beheshti University and Shahid Beheshti University of Medical Sciences were chosen through an accessible proportional stratified sampling. All completed questionnaires measuring image of God. (Mazaheri et al, 1384; revised scale of Lawrence, 1997) and parental religiousness (Granqvist, 1998). ANOVA results revealed that respondents with high parental religiousness level, had a more positive image of God. It was also shown that high parental religiousness, reflected significantly higher scores than the group whose parental religiousness is low. Based on subscales of image of God (inherence, presence). Therefore respondents with high parental religiousness, showed a more positive image of God. The results could indicate that parental religiousness as an aspect of religious socialization, and it is supposed that parents religiousness is an important factor in prediction of the children's God image. Data also showed that in different sources of religious cognition there was a significant difference between subscales of God image (Influence, Providence, Acceptance and Presence). In case of source of religious insight, family had significantly higher mean on the scores of subscale of "Influence", "Providence", "Acceptance" and "Presence" than the other source of religious cognition and this group had more positive God image than the other group.

**Keywords:** Image of God, parental religiousness, religious cognition

---

<sup>✉</sup>Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.  
Tel: 021-22431814  
Fax: 021-29902368  
Email: m\_sadeghi@yahoo.com